گفت‌وگوی «فرهیختگان» با رضا هلالی از شروع مداحی تا تکیه مرتضی علی(ع):

هیاتی‌ها مشتاق‌ترین افراد برای کار اجتماعی هستند

ایشان، امثال رضا هلالی و امیرعلی شاکری

قدیمی‌ترین NGO، موثرترین اجتماعات یا محافل مذهبی با مهم‌ترین گروه‌های محلی؛ صحبت از هیات مذهبی است. مکانی نه‌تنها برای عزاداری یا صرفا اشک‌ریختن برای سیدالشهدا(ع) و یارانش. هیات‌های مذهبی قدمتی دیرینه دارند و این روزها و شب‌ها در این مکان رفت‌وآمد دارید. به مناسبت آغاز ماه محرم سراغ یکی از مداحان نسبتا جوان اما پرسابقه رفتیم. رضا هلالی در جنوبی‌ترین و البته پرخطرترین نقطه تهران، تکیه‌ای بنا کرده و میزبان مردمانی است که گرفتار بیماری هستند. خودش مانند بسیاری از کارشناسان اعتقاد دارد که اینها بیمار هستند. اهالی میدان هرندی چندماهی است بیش از قبل شاهد فعالیت و رفت‌وآمدها در «تکیه آقامرتضی» هستند. این تکیه از معتادان و بی‌خانمان‌هایی میزبانی می‌کند که شاید در شرایط عادی نتوانند حتی یک‌بار در هفته غذای گرم بخورند و حمام بروند. اینجاست که یک مداح مشهور به‌واسطه اعتباری که از دستگاه امام حسین(ع) گرفته، خودش و دوستانش را خرج یا صرف جماعتی می‌کند که حتی مراکز مسئول آنها هم گاهی به وظایف‌شان عمل نمی‌کنند.

با رضا هلالی درباره کارکرد هیات و جمع‌های مذهبی در روزگار معاصر گفتیم و البته روزگاری که در این دو دهه سپری کرده و اوج‌وفرودهایی که دیده است.

سیدمهدی موسوی‌تبار - عاطفه جعفری
گروه فرهنگ

می‌خواهم برخلاف رسم معمول، گفت‌وگو را با یک قصه واقعی شروع کنم. یکی بود، یکی نبود. سال‌ها پیش و در دهه ۸۰، فردی در یکی از شهرک‌های تهران، فیلم‌های مبتذل رایت می‌کرد و می‌فروخت و درآمد خوبی هم داشت. همین آدم یک روز به‌واسطه شنیدن یکی از کارهای شما دگرگون می‌شود و کاری که انجام می‌دهد، کنار می‌گذارد. به سمتی می‌رود که درنهایت الان یک روحانی است. با اینکه شما خواندید، تغییر می‌کند. در سیر تاریخی مداحی ما بعد از انقلاب در ظاهر می‌توان چند مقطع را نقطه عطف حساب کرد که یکی از این مقاطع، اواخر دهه ۷۰ یا اواسط دهه ۷۰ و حضور شماست. آدم‌های اینجنینی و داستانی که بیان کردم، واقعی هستند و این افراد کم نبودند. آدم‌هایی که شاید هیچ‌وقت شما را از نزدیک ندیدند ولی به‌واسطه کاری که خواندید و اثر منتشرشده، زندگی‌شان متحول شد. جوان، پیر، زن و مرد و هر کسی باشد. خاص یک منطقه جغرافیایی یا اجتماعی هم نبود. این‌طور نیست که آن‌هایی که قطعات رضا هلالی را گوش کردند فقط برای جنوب شهر باشند. طیف گسترده‌ای گوش کردند و زندگی آنها متحول شد. فیلم هنری نبود. واقعی بود. این تاثیرگذاری از کجا می‌آید؟ این که نقطه عطفی برای جوانانی هستید که دنبال یک پهانه برای این بودند تا دل آنها را مهاجسینی شود، دنبال بهانه بودند تا سمت امام حسین (ع) بیایند.

حقیقت این است ما وسیله هستیم. این را صادقانه بیان می‌کنم که نمی‌دانم چطور شد که این اتفاق افتاد. بارها در جلوت خودم کار می‌کنم چطور شد این اتفاق افتاد و در این جریان قرار گرفتم و این فضا ایجاد شد ولی یک چیز را صادقانه می‌دانم که واقعا من امام حسین (ع) را خیلی دوست دارم. نمی‌دانم این عشق و علاقه از کجا به من تزریق شده است و نمی‌توانم بگویم از این مقطع شروع شد یا یک اتفاق افتاد و این شروع شد. از بچگی به یاد دارم عکس کربلا را می‌دیدم و گریه می‌کردم. بچه مفروری بودم، در گوشه خانه می‌نشستم و عکس کربلا را می‌دیدم و گریه می‌کردم. تمام این اتفاقات که افتاد خود را یک وسیله می‌بینم. نمی‌دانم چطور شد خدا این لطف را به من کرد و این افتخار را به من دادند. نمی‌دانم دعای چه کسی باعث این سرنوشت؟ به یاد دارم اولین‌باری که کربلا مشرف شدم، ۱۷ ساله بودم. زمان صدام بود. در روضه‌ها می‌